

ملفوظات سال اول در باره در بونو زعم باطلی بود که حق تعالی حضرت را
 نسبت دیگری چون کفار و کفری واجب بودی زیرا جلاصحا به خطای حاشا کفار
 اید در پیشون حضرت عی یعنی ترک ادب و حضرت ابوبکر رضی الله عنهما حضرت
 بعثت انگری چون کافر اولی در حضرت رسول علیه الصلو و السلام کافر اولی
 حضرت عی رضی الله عنده حضرت رسول علیه السلام حضرت ابوبکر امه اولی
 خلف نمازی فورس دیو عبد الله جبرکوند در کده حضرتک بانده ما خیرایم غالب
 و برضی کلام چونکه حضرت رسول علیه السلام کلام علی و سلم ابوبکر اوردند مقدم
 ابدی بن اوردنیا نه سیدون تقدیم اید و زید بگری اچون حضرت ابوبکر
 عذرا کفار اید در حقین طلب ادب و ابوبکر ایله مقالتله ایدی دیو بود معاشک
 انکار تری چری خدمت و جهالتیدن تا سفید اید از باب الله تعالی کفر لید دلا و پوت
 و چیت کفار و ادب فی قوم بچی الاموات الله تبارک و تعالی مع الارواح و اقبال
 روح الارواح کلامه و الاخرة اید و و افاض دیک سبب بود که حضرت محمد صلی الله
 علیه و سلم یعنی اید دولت اسلام بر او اید و دین بین ابوبکر تمسب صلح
 اساس حکومت و این دولت افضا اید و کندی و لری زمان سعادت ندرت نبوت اید
 سلطنت چنی جامع اولیله اختلاف بقدری نلثون مستبوی در قلبی او زود اید
 سینه خلفا را شدین اجراء حکام بر ابوبکر مدت خدمت تا مدت سکوه
 تم چون ملوکا عضو صفا حق استیرو ولت طالبی حکم غالبک دیو صورت اید
 رید شتاقی دعواله با بنوب حرکت کلد یارا اول بهانه اید بعد نماصل و دیگر
 ابوبکر متفکرتی شامه بی استر دوی ظور اولدی بی هاشم را سندا زاع و زه
 قلوب حضرت امام حسن رضی الله عنه خلافت دعوا سنده فرخت اید چیک دولت
 بی امیده فرادیدی لکن بی هاشم طرفه بخصوص جگرگاه او کفر حضرت امام
 حسین مدینه دن فالدوب برونی امتزاج صلحی اچون عراق اعلم ابوبکر و دیگر
 طرفی کاه اولدقه اعوان اصراری بر حال محامد اوزر مدافعین فواد لیل کربلا
 و افسوس ظور اید و اول امام حسین رضی الله عنه و انبای شهید اولی
 و افسوس مذکور هجرت انش بر بی بلنده اولوب اولزمان شامه بر مابین معاد
 بابشاه ایدی بوضوح بی هاشم داغ درون اولوب سیمفرا شامه قابل اولوب
 لسان اید بریزه و ابتاع شهید با شیبب شقی غیظ اید لریدی تا بو واقف
 یکی سینه سینه بی هاشم ال ان عیاس استفاح خروج ادب بی امید
 اولدغه ادب حاشا سبب تخمین امک با شلدی لیا و جدر باطل اید چینی

المنجفی

المنجفی اید و ابوبکر اندام او در تواریخ اما اول اولدن بیک بنیاد
 بود که در بین بنی امیه بن حسین بن ابی طالب ملوک بن امیه ن هاشم بن علی بن ابی طالب
 خروج امک کله علوی دن اوزرید اون بن بیک حیدر خلدان چینی شقی جم اولدی
 حاله که حضرت نجید رضی الله عنهما طعن اید لریدی زین عی بونلری شم
 اید که رنجیده اولوب جمله رو کوبان اولد یار اچنی بانده ایدوز نرسته فالت
 اولدیا نه زین عی دیکدی بی رخصتونی یعنی بی رخصت انگری یعنی بی ترک
 انگری یا انگری بر افریکن و بی حقی ترک انگری پس حقی ترک انگری اچون دانی
 و بللو در بر اچنی اولد که انبوب دی صحابذ و اجماع بی ترک انگری اچنی دانی
 دیویشیا و مندر اولصولی اوج صمد روی خلاف روافض و بریند زیدیه و یزید
 امام در زمانه بوقر فالتله زهری بخر فرقه در کفر فرقه بکدی زیاد دانی
 امام بن الدین دانی حضرت لری بود که بعضی بد روافضه فرقه امامیه بنی اید
 با نظر کورک و افر اولدی در کورجی برین کثیر اید در کورجی الله و اهدیه
 بزم و کلمات کجی در اید و روافض طائف سبک کفری بو مرتبه بر وارند که
 تیش کی فرقه اید اهل کفر بریند و مقارن شکر اولوب کده و هو اولی شکر اید
 انگری کفری و بدعت لرید لفاق ادب و عقاب اید و اعتقاد فی سدر تری بود که رواج
 برسد در جسد انتقال ادب و بدعتی اید و رواج صحیح اید ابدن صحیح اید
 اید لفاق بدعتی و ارسسحق عقاب اولد که رواج اشباح خنایر
 و کلام کور و روح الله انما انا و عشره انتقال اندرها شاکر اید و رفا
 او خالیده حانرا اندر رحمت الله تعالی اولد که مورثه ظاهر او بود که کبری چون
 کفار و کفار لیک لوی و ایدر و بقوم بچو اجماع باطن و غیظیه الا و لوی
 لیا انجر اجماع باطن و کفر لوی مقتضی بر حق لری بود که بر امام باطن خروج
 مذکور و نیک غیظیله فالت اولد که چون انکار و ایمانیک لوی و ایدر حقی
 کفری بو مرتبه بر اید شد که در بر توهر کی ناطقک ارا سینه بی امام وارده
 کله اقدار اولد چون نبوت حقین امیر کلامی خلق عالم دن کالیف ظاهریه
 ساخط اولدی نامه دی کوب کوب بو زدن بر مناری نایمخیز غنا اتمک جائز
 نکدر در امامت برورد که متتابع اولور بی انتقال اید بر بوخصده بخصه
 و کالی بر نه نبوت اولور و بر نه امامت رو کند و کفر زید خلق لقا ادب
 بر کورده لازم اولد که ضمیمه باطن نکدر و با طردن عادت تری بود که صورت
 حقن ترور و کلبس اید جاده نسیع شریفدن اخراج ادب کفر و کلاه قویلا